

در باره اطلاع‌رسانی پدیده ریزگرد اشتباهات زیادی رخ داد

گردهای ریز اشتباهات درشت

چشم، چشم‌رانی دید؛ هفته پیش رامی گویم؛ روزهایی که معلوم نبود چه اتفاقی برای هوا افتاد. هر کسی یک چیزی می گفت. یکی می گفت گردو غبار محلی است. آن یکی جواب می داد که نه، خاک از روی کوه‌ها کشیده شده نوب شهر و یکی دیگر غر می زد که ای آقا… کجای کار بد؟ اینها نتیجه امتحان یک بمب قوی در یکی از کشورهای همسایه است. در روزهایی که اطلاعات در ست، دقیق و علمی را به سختی می توانستید زیر کوهی از غبار شایعه جست‌وجو کنید، ما به کمک دکتر ناصر کرمی، سر دبیر خبرگزاری مستقل محیط زیست ایران برای شما این غبار را فوت کردیم تا دستتان بیاید که این پدیده عجیب و غریب چه بود و چه شد و از کجا آمد و آمدنش بهر چه بود. اینها اصلی‌ترین اشتباهاتی بودند که در این مدت درباره پدیده اقلیم‌شناختی «ریزگرد» وجود داشت.

اشتباه اول: استفاده از عناوین غلط برای پدیده
مسئول: صدا و سیما و مطبوعات

اتفاقی که افتاد: در رسانه‌ها از این پدیده با اسم‌های مختلفی یاد می‌شد. همین اسمی روی زبان مردم می‌افتاد و در همان ابتدای راه همه چیز را قاتی می کرد. «گرد و غبار»، «شن‌باد»، «خاشاک»، «توفان شن» و «آلودگی هوا» تعدادی از اصلی‌ترین عنوان‌هایی هستند که به غلط برای این پدیده استفاده شد. **نظر کارشناس؛** هیچ کدام از این اسمی تعریف دقیق عبارت انگلیسی haze نیست. بهترین معادل فارسی که برای این پدیده ساخته شده، «ریزگرد» است.

گرد و غبار: این عبارت بیشتر معادل Dust است که شامل دانه‌هایی درشت‌تر از ریزگرد است. **شن‌باد:** بادی که به همراه خود شن می آورد. شن هم یعنی ذره‌ای با قطر یک تا پنج میلی‌متر. اگر قرار بود این پدیده‌ای که روی ایران هوار شد، شن‌باد باشد، الان بنده و شما قاتی باقالی ها بودیم. **خاشاک:** ذراتی با منیع گیاهی؛ هیچ ربطی هم به ریزگرد ندارد. شما که از کاه و کلب چیزِی در این هوا ندیدید؟

توفان شن: این دیگر از آن حرف‌ها بود. اصلا این پدیده مخصوص مناطق بیابانی‌ای است که در سطح خیلی پایین و بادومولفه وجود یاد شدید و جا به جا شدن ذرات شن همراه است. هیچ کدام از این دو تا ویژگی هم در ریزگرد ایران نبود؛ پس بی‌خیال.

آلودگی هوا: این عبارت خیلی هم بی‌ربط نبود اما خیلی شبه‌بر انگیز است. آلودگی هوا اصولا منشا انسانی و در اثر سوخت دارد اما ریزگرد این‌طوری نیست.

اشتباه دوم: عدم پیش‌بینی پدیده
مسئول: سازمان هواشناسی

اتفاقی که افتاد: در اصل هیچ اتفاقی نیفتاد. این پدیده قوسی بود که از سوریه و عربستان راه افتاده بود و حداقل سه روز طول کشید تا تبدیل به قوس خرز- عمان شود و سر از نیمه غربی ایران در بیابورد و بعد هم به پایتخت برسد. اما سازمان هواشناسی در تمام این روزها داشت دمای مناطق مختلف رامی گفت و مثل همیشه جبهه‌های کم‌فشار و پر فشار و توده‌های هوای گرم را نشانه می گرفت؛ چیزی که با یک سرچ ساده در بخش



اشتباه پنجم: یکی دانسته شدن ریزگرد تهران و گرد و غبار جنوب
مسئول: هواشناسی وسازمان حفاظت از محیط زیست

اتفاقی که افتاد: در اطلاعیه‌های اولیه این دو سازمان متولی موضوع، از این ریزگرد با نام گرد و غبار محلی اسم برده شد.

نظر کارشناس: در مناطق بیابانی و نیمه‌بیابانی در بیش از نیمی از سال، گرد و غبار محلی با شدت و ضعف وجود دارد. این ریزگرد با گرد و غبار محلی فرق می کرد. آن چیزی که در این روزها در خوزستان و بخش‌های جنوبی دیده می شد، همین ریزگرد بود. اما نباید این پدیده را با گرد و غبار محلی یکی دانست. تازه از چند ماه پیش هم در خوزستان شروع شده بود.

اشتباه ششم: یک پدیده معمول هواشناختی؟!
مسئول: سازمان حفاظت از محیط زیست

اتفاقی که افتاد: پدیده ریزگرد در تمام خبرها، اطلاعیه‌ها و تحلیل‌های این سازمان به یک واقعه معمول هواشناختی تقلیل پیدا کرد.

نظر کارشناس: از نظر شدت و دوره زمانی وقوع، این ریزگرد می تواند با سونامی اندونزی و توفان کارولینا و بارش معروف چراپونچی در بنگلادش برابر باشد؛ این تفاوت که این پدیده تلفات جانی نداشت. این ریزگرد در ابعاد خیلی وسیع رخ داد و مردم را آغا گلگیر کرده پدیده‌ای که حتی پیش‌بینی‌اش برای اقلیم‌شناسان هم مشکل بود چون هیچ سابقه‌ای از دوره قبلی وقوع آن وجود نداشت و هیچ کس هم نمی داند که دوباره کی رخ می دهد. پس ما با یک پدیده معمول هواشناختی طرف نبودیم.

اشتباه هفتم: تحلیل نادرست دلایل پدیده
مسئول: سازمان حفاظت از محیط زیست و هواشناسی

اتفاقی که افتاد: درباره دلایل این پدیده تا دلتان بخواهد اطلاعات غلط به ملت داده شد؛ مثلاً گفتند که شرایط معمول جوی که تحت تاثیر یک ترف سطح پایین داخل عراق بود، به ایران کشیده شد.

نظر کارشناس: فعالیت‌های انسانی تنها بخشی از عوامل توسعه بیابان‌ها هستند. در ضمن این قوس ریزگرد از منطقه‌ای جنوبی‌تر از عراق به راه افتاد و ابعاد ی خیلی گسترده‌تر از مساحت مناطقی از عراق را داشت که جدیدا بیابانی شده‌اند.



همین بود. دلیل اساسی آن هم معلوم نشد؛ در صورتی که اقلیم‌شناسان ایران و دنیا این پدیده را به زبانه‌های خورشیدی مربوط می دانند. حداقل این منطقی‌ترین دلیل است.

اشتباه هشتم: راه حل بی‌ربط
مسئول: سازمان محیط زیست

اتفاقی که افتاد: با توجه به اینکه منشا این پدیده را بیابان‌های عراق دانستند، رئیس سازمان محیط زیست در همین روزها سریع به عراق رفت و یادداشت تفاهمی را با نوری مالک- نخست وزیر عراق –امضا کرد. طبق این یادداشت قرار شد ایران کمربند سیزی را در عراق ایجاد کند.

نظر کارشناس: حدود ۵۰ سال است که در ایران فعالیت‌های بیابان‌زدایی شروع شده. یک اداره عرضی و طولی هم در وزارت جهاد و کشاورزی با همین شرح وظیفه دارد فعالیت می کند و کلی کارمند دارد که از صبح که از خواب بیدار می شوند تا شب، فکر و ذکرشان همین بیابان‌زدایی است. اما در همه ۵۰ سال گذشته فقط دو در صد از اراضی مورد نظر، تثبیت شدند. قطعا مساحت بیابان‌های عربستان و عراق و سوریه، خیلی بیشتر از بیابان‌های ایران است. حالا اگر همه اداره کل مذکور را هم به عراق منتقل کنیم و تازه بی خیال سوریه و عربستان هم بشویم، دست کم ۵۰۰ سال طول می کشد تا دو در صد امکان وقوع مجدد ریزگرد را کم کنیم. حالا خودتان بگویید این راه حل، منطقی است؟

اشتباه نهم: اضراق در اثرات بهداشتی
مسئول: وزارت بهداشت

اتفاقی که افتاد: اختلال تنفسی، اختلال حافظه و پایین آمدن سطح هوشیاری و بی‌نظمی‌های قلبی و ابتلا به آلرژی‌های ناشناخته و در نهایت افزایش حمله‌های قلبی و در پی آن، سکته، عوارضی بود که در مورد ریزگردها مدام تکرار می‌شد. مگر بار بودن ایسن پدیده هم از آن حرف‌ها بود.

نظر کارشناس: ریزگرد مثل آلودگی هوا نیست که منشا شیمیایی در اثر مصرف سوخت‌های فسیلی داشته باشد. برای همین نمی توان گفت که موجد سر سلطان یا ناراحتی‌های پیچیده قلبی و… می‌شود. ریزگرد، قاعدا تا خاکی غیر آلوده یا منشا الی است که استنشاق مقدار محدود آن با بدن انسان سازگار است. مگر اینکه کسی ناراحتی‌های حاد تنفسی داشته باشد یا

همشهری جوان حکم می دهد مسؤؤل اصلی کیست؟

سازمان حفاظت از محیط زیست / اشتباه

این سازمان بر خوردی عجولانه و شتاب‌زده و بدون هیچ گونه تحلیل کارشناسی داشت. سفر رئیس این سازمان به عراق برای بیشتر کارشناس‌های محیط زیست و اقلیم‌شناسان حکم «توشاری پس از مرگ سهراب» را داشت. از طرف دیگر در مورد تحلیل علمی این پدیده هم کوتاهی‌های زیادی داشت.

سازمان هواشناسی / اشتباه
این سازمان اطلاعات درستی نداد و کمکی هم به رفع ابهامات مردم نمی کرد؛ حتی در نامگذاری پدیده هم این سازمان، مثل مردم عادی با اشتباهات زیادی همراه بود.

وزارت بهداشت / اشتباه
دیر اطلاع داد، کم اطلاع داد و غلط اطلاع داد. در مورد تبعات پزشکی این پدیده هم اطلاعاتی که به مردم داده می شد، اغلب غیر کارشناسی بود.

راهنمایی و رانندگی / یک اشتباه
تقاضا برای تعطیلی و رفتن مردم به مسافرت از طرف این نهاد بود؛ تقاضایی که به گفته کارشناسان غلط و غیرمسئولانه بود.

صدا و سیما و مطبوعات / یک اشتباه
منشا این اطلاعات اشتباه، بیشتر صدا و سیما بود. روزنامه‌ها و خبر گزار ی‌ها هم با تیتُرهای غیر علمی، ماجرا را سرسری گرفتند. از طرف دیگر صدا و سیما که عاشق برنامه‌های مناسبتی و ویژه است، اصلا به روی خودش نیاورد که می تواند یک ویژه‌نامه با این موضوع و با استفاده از کارشناسان محیط زیست و هواشناسی راه بیندازد.

دستگاه تنفسی اش، آلرژی شدیدی به گرد و خاک داشته باشد. یادمان باشد

که خاک جزئی از بدن انسان است. چیزی که وزیر بهداشت هم چهارشنبه ۱۷ تیر بعد از چند روز هشدار و تعطیلی به آن اشاره کرد و گفت این پدیده برای آدم‌های عادی، خطر چندانی نداشت.

اشتباه دهم: راهنمایی دادن به مردم
مسئول: وزارت بهداشت، شهرداری و راهنمایی و رانندگی

اتفاقی که افتاد: در چنین شرایطی بهتر است از کولرهای آبی کمتر استفاده کنید، از خانه بیرون نروید، از ماسک‌های تنفسی استفاده کنید، به سفر بروید و… اینها تنها بخشی از توصیه‌هایی بود که در کنار یک تعطیلی چندروزه ناگهانی قرار گرفت.

نظر کارشناس: انواع دستگاه‌های خنک‌کننده اعم از کولرهای اسپیلیت و آبی، هوایی کاملا ممنون از گرد و خاک را به شما می‌دهند. پس کولرها خطری نداشتند. از طرف دیگر خود، هواهایی که کولر دارند، می‌توانستند با تنظیم دستگاه تهویه ماشین روی گردش داخلی هوا، هوای پاک‌ی را

تازه رفت و آمد معمول در شهر، مشکلی ایجاد نمی کرد و تنها توصیه به عدم تحرک شدید در فضای باز کافی بود. استفاده از ماسک‌های تنفسی هم باعث می شد افراد نفس‌های عمیق‌تر بکشند و این خودش باعث کشیده شدن میزان بیشتر ریزگرد به ریه می‌شد. جالب اینجاست که مردم مگرا را به رفتن به مسافرت تشویق شدند. بدترین رفتار در برابر ریزگرد این است که خودتان را به مدت طولانی و در فضای باز در معرض آن قرار دهید. این توصیه به مردم، یکی از عجیب‌ترین توصیه‌های ممکن بود که البته بوی توصیه نمی‌داد.

۲۱

همشهری جوان

شماره ۲۲۰ ● تیر ۸۸

نظر کارشناسان

در جست‌وجوی کمیته گم‌شده

● **دکتر اسماعیل کهرم، کارشناس محیط زیست:**

سفر فاطمه واعظ جوادی به عراق و امضای تقاضا نامه برای کنترل وضع بیابان‌های عراق، «توشداری بعد از مرگ سهراب» است و از بین رفتن مراتع و جنگل‌ها و گسترش اقدامات ضد محیط‌زیستی و منابع طبیعی، باعث رشد این حجم از بیابان شده که امروز غبار، خاک و آلودگی‌اش تنفس مردم ایران را مختل کرده است.

● **محمد هادی حیدرزاده، مشاور شهردار تهران در امور محیط‌زیست:**

گردوغبار ناشی از پدیده Haze به‌اندازه گاز منوکسیدکربن برای بیماران قلبی خطرناک نبوده و خطرات کمتری نسبت به آن دارد. بیش از یک دهه است که ایران، عراق و عربستان در سرمایه‌گذاری مشترک اقدام به مالج پاشی در این منطقه می‌کنند تا وزش باد منجر به پراکنده شدن جو خاک در این کشورها نشود. این در حالی است که طی دو تاسه سال گذشته به دلیل مسائل سیاسی عراق، این امر متوقف شده متأسفانه کم‌تحرکی از سوی سازمان‌های محیط‌زیست ووزارت بهداشت مشاهده شده است. چرا که از یک سال قبل باید دستگاه‌های دیپلماسی در این زمینه فعال می‌شدند تا به مرز بحران کنونی نرسیم. سازمان حفاظت محیط‌زیست نشان داده که حتما باید بحرانی ایجاد شود تا موضوع مورد پیگیری قرار گیرد. متأسفانه باید در وضعیت منفعلانه کنونی سازمان حفاظت محیط‌زیست در بحث آلودگی هوا به خدا پناه برد!

● **محمد رضا مندوی پور، کارشناس ارشد شیمی کاربردی:**

برای این پدیده باید از واژه‌ای به نام «ریزگرد» استفاده کنیم. عناصری از فلزات قلیایی خاکی، سیلیسی، کربن، کلسیم، پتاسیم و بعضی دیگر از عناصر آلی هم در گرد و غبار مشاهده می‌شود که تمامی این عناصر می‌توانند اثرات سویی بر مجاری تنفسی و ریه داشته باشند. به دلیل اینکه منشا این عناصر از کشورهای عربی و مناطق بیابانی است، به «ریزگرد عربی» مشهور شده است.

● **دکتر قربان رحیمی، متخصص بیماری‌های تنفسی:**

وقتی از ماسک استفاده می‌شود، بعد از مدتی این ماسک خود مرطوب می‌شود و باعث جذب آلودگی‌ها می‌شود و در واقع استفاده از ماسک تاثیر چندانی ندارد، مگر استفاده از آن در کوتاه مدت و کمتر از یک ساعت آن هم در مناطق خیلی آلوده که در آن گردوغبار بسیاری وجود دارد، به نظر می‌رسد استفاده از دستمال نمدار در این مناطق آلوده مفیدتر از ماسک است.

- **وحید نوروزی، نماینده شهرداری در کمیته مواقع اضطرار کاهش آلودگی هوای تهران:**

متأسفانه با بی‌تدبیری‌های انجام شده، کمیته کاهش آلودگی هوای تهران از سه ماه پیش منحل شد و به جای آن کارگروه آلودگی هوا با عضویت افراد غیر تصمیم‌گیر تشکیل شده است. این در حالی است که این کمیته هم طی سه ماه گذشته هیچ جلسه‌ای نداشته. ورود ریزگرد معلق به کشور، نتیجه بی‌احتیاطی مدیریتی مقامات محیط‌زیستی کشور است. مالج‌پاشی که به صورت سالانه در منطقه صحرایی بین عراق و عربستان صورت می‌گرفت، رها شده و مقامات محیط‌زیست کشور باید اعلام کنند در این خصوص طی چهار سال گذشته چه اقداماتی صورت گرفته است.

